**سخت­تر، بهتر، سریع­تر، قوی­تر:**

**قانون بین­الملل و آیندة عملیات روانیِ برخط[[1]](#footnote-1)**

نویسندگان: تیم هوانگ و لِئا روزِن

مترجم: دکتر محمدرضا آهنی[[2]](#footnote-2)

**خلاصه**

در سال­های اخیر شاهد انفجار فعالیت بازیگران دولتی و غیردولتی بوده­ایم که در پی دست‌کاری گفتمان سیاسیِ برخط در داخل و خارج از کشور بوده­اند. در این تلاش­ها طیفی از فنون مختلف به­کار رفته­اند، که بهره‌گیری از فوج روبات­های مجازی خودکار تا انتشار نظام­مند اطلاعات گمراه­کننده یا کاملاً ساختگی از طریق رسانه­های اجتماعی را دربرمی­گیرند. جالب آنکه اکتشافات اخیر در زمان نگارش این مقاله حاکی از آن است که دولت روسیه از این فنون برای اثرگذاری بر نتایج انتخابات ریاست جمهوریِ امریکا در سال 2016 استفاده کرده است. به نظر می­رسد روندهای فناوری در پی ارزان­تر کردن، مؤثرتر نمودن و دشوارتر ساختن شناسایی عاملانِ این نوع عملیات روانی برخط در آیندة نزدیک هستند. با در نظر گرفتن توان بالقوة نسل جدید عملیات روانی در بی­ثبات‌سازی فضای سیاسی جهانی، برای مقابله و مهار تأثیرات این نوع اقدامات اقناعی، چه کاری می­توان از طریق مجاریِ قوانین بین‌المللی و سایر اَشکال هماهنگ انجام داد؟ مقاله حاضر به بررسی این پرسش در بافت استفادة بازیگران دولتی و غیردولتی از عملیات روانی برخط برای تضعیف سایر دولت­ها می­پردازد. همچنین وضعیت کنونی پیشرفت این فنون و پیشبرد توانمندی­های آتی مبتنی بر هوش مصنوعی و علوم اجتماعی کمّی بررسی می­شود. سپس مجموعه­ای از چارچوب­های حقوقی بین­المللیِ قابل استفاده در این خصوص بررسی می­گردد و استدلال می­شود که مجموعة قوانین حاضر نمی­توانند به خوبی استفاده از این فنون را محدود سازند. سرانجام با لحاظ کردن رویکردهای فنی و حقوقی مجموعه­ای از مداخلات فرضی برای واکاوی ارائه می­گردد. شورای تحقیقات اروپا حامی این مقاله با عنوان "تبلیغات رایانه­ای: بررسی تأثیر الگوریتم­ها و روبات­های مجازی بر گفتمان سیاسی در اروپا" است. هر گونه نظر، یافته، نتیجه­گیری یا توصیه­ای که در این مقاله ارائه شده از آنِ نویسندگان است و الزاماً بازتاب دیدگاه­های شورای تحقیقات اروپا نیست.[[3]](#footnote-3)

­

**مقدمه**

در سال­های اخیر شاهد انفجار فعالیت بازیگران دولتی و غیردولتی بوده­ایم که در پی دست‌کاری گفتمان سیاسیِ برخط در داخل و خارج از کشور بوده­اند. در این تلاش­ها طیفی از فنون مختلف به­کار رفته­اند، که استفاده از فوج روبات­های مجازی خودکار تا انتشار نظام­مند اطلاعات گمراه­کننده یا کاملاً ساختگی از طریق رسانه­های اجتماعی را دربرمی­گیرند. از این فنون برای مقاصد گوناگون از جمله جلوگیری از هماهنگیِ برخط مخالفان و افزایش اثربخشی فعالیت نظامی در همین زمینه استفاده شده است.

به یک معنا این تلاش­ها جدید نیستند. در واقع به­کارگیریِ عملیات روانی در درگیری­ها از سوی بازیگران دولتی و غیردولتی سابقه‌ای دیرین دارد که از زمان ظهور اینترنت فراتر می­رود.[[4]](#footnote-4) بر همین اساس بهره‌گیری از تبلیغات برای شکل­دهی به افکار عمومی داخلی و تضعیف مخالفان پدیده­ای رایج بوده که بازتاب آن را امروزه در موارد اینترنتی می­توان مشاهده کرد.[[5]](#footnote-5)

در عین حال ویژگی­های منحصربه­فرد محیطِ برخط و پیشرفت­های فناوری به‌ظاهر نسلی جدید از فنونی را پدید آورده­ که به لحاظ دامنه و اثربخشی، گسترة زیادی پیدا کرده­اند. در حالی که تلاش­های پیشین برای دست‌کاریِ افکار عمومی، پرهزینه، کُند، با داده­های اندک و قابل رهگیری بودند، فنون جدید، ارزان، سریع، با داده­های فراوان و دشوار برای رهگیری هستند. این عوامل به‌احتمال از این فنون به میزان زیاد برای بی­ثبات کردن محیط بین­الملل کنونی و بیش از آن در آیندة نزدیک بهره‌برداری می­کنند.

این مقاله به بررسی چالشی خاص می­پردازد: بررسی خطرهای بالقوة ناشی از به­کارگیریِ فنون امروزی و آیندة نزدیک عملیات روانی از سوی بازیگران دولتی و غیردولتی برای بی­ثبات کردن دولت­های دیگر. مسائل دیگری که در اثرِ استفاده از این فنون پدید می­آید – برای نمونه توسط دولت­ها علیه شهروندان خود، یا بهره‌برداری از این فنون توسط بازیگران خصوصی علیه دیگر بازیگران خصوصی – در این مقاله نمی­گنجند.

امروزه بهره‌گیری از عملیات روانی برای چنین هدفی چندان مهم یا خطرناک تلقی نمی­شود که موضوع قوانین یا موافقت­نامه­های بین­المللی برای محدودسازی یا مبارزه با استفادة دولت­ها یا دیگران از این عملیات قرار گیرد. در واقع همان‌طور که در زیر شرح داده خواهد شد، در گذشته امریکا و دیگر اعضای جامعة بین­الملل پیشنهادهایی برای انجام کارهایی از این دست را رد کرده­اند، اما مادام که عملیات روانی گسترش می­یابد و ابزاری مؤثرتر برای حمله می­شود، توجه جامعة جهانی را برای محدود کردن تأثیرات آن می­طلبد.

ما مجموعه­ای از سازوکارهای قانونی بالقوة موجود برای مواجهه با استفاده از نسل جدید عملیات روانیِ برخط علیه دولت­ها را بررسی می­کنیم و در ارائة راه­حل­های بدیل تا آنجا پیش می­رویم که ناتوانی ابزارهای تعیین‌شده برای مقابله با این تهدید روشن گردد. نخست چشم­انداز کنونی را مرور می­کنیم و به بررسی فنون نوظهوری می­پردازیم که بازیگران مختلف به کمک اینترنت از آنها برای دستکاری افکار عمومی بهره می­برند. سپس به تشریح برخی روندهای جدید در تحقیقات خواهیم پرداخت که نشان می­دهند این فنون با گذشت زمان بسیار قدرتمند می­شوند و آنها را از نسل­های پیشین عملیات روانی "سنتی" متمایز می­کنیم. دوم، پاره­ای از چارچوب­های قانونی موجود را بررسی می­کنیم که در آنها بهره‌برداری از عملیات روانی برای بی­ثبات کردن دولت­ها ممکن است محدود یا ممنوع شده باشد. سوم، ضمن بحث در مورد ناکافی بودن این چارچوب­ها، مجموعه­ای از راه­حل­های بالقوه­ای را ارائه می‌دهیم که می­توانند در تخفیف تأثیرات منفی این فناوری­ها مفید باشند. سرانجام بحث خود را با موضوع حوزه‌های بالقوة تحقیق و بررسی در آینده به پایان می­بریم.

**بخش اول: وضعیت فعلی و آتی گفتمان دست‌کاریِ برخط**

در سال­های اخیر دست­اندرکاران رسانه پرده از نمایش باشکوه فنونی برداشته­اند که از آنها برای اثرگذاری بر گفتمان برخط، به‌ویژه در قلمرو سیاسی، بهره گرفته شده است. دامنة این فنون از ارسال بدافزارهای ساده برای سرکوب صداهای معترضِ برخط تا فعالیت­های پیچیده برای ارسال اطلاعات غلط که با عملیات نظامی متعارف و رایاوردها (جنگ­های سایبری) پیوندی تنگاتنگ دارند، کشیده شده است.

در رسانه­های اجتماعی، ثابت شده که روبات­های اینترنتی – حساب­های کاربری جعلی که به طور خودسامان محتوایی واحد یا بی­معنی را تکرار می­کنند- شیوة متداولی برای دست‌کاری هستند. فعالان ترک و سوری در معرض اقدامات اختلال­زا بوده­اند، فعالیت­هایی که برای طرح گفتمان سیاسی معارض و متبلور در هشتگ­های متداول توئیتر تلاش دارند.[[6]](#footnote-6) در امریکا حساب­های کاربری غلط برای کمک به توده­های مردم گاه با تأکید ویژه بر عناصر سازندة کلیدی به کار گرفته می­شوند تا از نامزدهای سیاسی حمایت کنند.[[7]](#footnote-7) دوره­ای از انتخابات ریاست جمهوری مکزیک در سال­های اخیر دو گروه از روبات­های معارض را نشان داد که در رسانه­های اجتماعی با یکدیگر مقابله می­کردند.[[8]](#footnote-8) همچنین این روبات­های مجازی ویژگیِ برجستة بحث سیاسی برخط در مورد رأی­گیری برای برگزیت (خروج انگلیس از اتحادیة اروپا) بودند که به حمایت از بحث­های خروج انگلیس از اتحادیة اروپا کمک کردند.[[9]](#footnote-9)

تلاش­های پیچیده­تری بر تقویت توان عمل­گران انسانی برای مدیریت "وجهة" اجتماعیِ توجیه­پذیر و چندگانه در رسانه­های اجتماعی متمرکز شده­اند. نمونه­ آن قراردادی است که وزارت دفاع امریکا در سال 2011 برای تهیة نرم‌افزاری منعقد کرد که این امکان را به فرد می­دهد که 10 هویت مجزا را در نقاط مختلف جهان کنترل کند. قرار بود این کار در ارتباط با عملیات صدای واقعی[[10]](#footnote-10)، باشد که اقدامی جهت مقابله با افراطیون خشونت­طلب و تبلیغات دشمن در اینترنت بود.[[11]](#footnote-11) چین نیز درگیر فعالیت­های مشابهی بوده است که کار ایجاد تعداد زیادی از مشارکت‌کنندگان برای تشکیل ارتش 50 سِنتی را تسهیل می­کرد، تلاشی هماهنگ شده برای از ریل خارج کردن گفتمان سیاسیِ برخط و هدایت مجدد آن.[[12]](#footnote-12)

هویت­های جعلی تنها بخشی از این تصویر را می­سازند. افزون‌بر حساب­های کاربری روبات­های اینترنتی، از تلاش‌هایی پرده برداشته شده که این روش­ها را به‌عنوان بخشی از راهبردهای پیچیده­تر برای شکل­­دهی به افکار عمومی با یکدیگر پیوند می­زنند. یک نمونه از آن که در سال 2015 به تفصیل در روزنامة نیویورک‌تایمز آمده مربوط به "سازمان تحقیقات اینترنت" روسیه است که برای تشریح طرح­های اطلاعات نادرستی است که ویدئوهای ساختگی و مدل­های مشابه واقعی از وبگاه­های خبری واقعی را دربرمی­گیرند.[[13]](#footnote-13) این فعالیت­ها در تلاش دولت روسیه برای تأثیرگذاری بر انتخابات ریاست جمهوریِ امریکا به اوج خود رسید؛ در این اقدام عملیات روانی و هَک کردن برای رسیدن به اهداف مورد نظر با یکدیگر تلفیق شده بود.[[14]](#footnote-14)

این دست اقدامات به سازمان­های دولتی با منبع به‌نسبت مشخص محدود نمی­شود. در آوریل سال 2016 بلومبرگ قضیة آندرآس اِسپولودا را گزارش کرد، وی در مجموعه­ای از تلاش­های خصوصی برای تأثیرگذاری بر انتخابات در امریکای لاتین به کمک چند روبات اینترنتی که ترکیبی از ماشین­های رأی­گیری و شنود دیجیتالی و روش­های دیگر بود، دخالت نمود.[[15]](#footnote-15)

در سال­های اخیر شاهد افشاگری از مواردی جاه­طلبانه­تر بوده­ایم که نه تنها در شکل­دهی فعالیت­هایی نقش داشته‌اند که در کانال­های برخطِ موجود رخ داده­اند که به دنبال طراحی کانا­ل­های جدید نیز بوده­اند. در سال 2014 آشکار شد که زونزونئو، یک شبکة اجتماعی متن­بنیاد در کوبا، با حمایت امریکا برای اثرگذاری بر افکار عمومی طراحی شده و در تلاش است برای تضعیف رژیم کاسترو جماعت­ روبات­های هوشمند[[16]](#footnote-16) را به کار اندازد.[[17]](#footnote-17)

این نمونه­ها که تنها منتخبی از شمار بزرگی از قضایایی هستند که در سال­های اخیر پدید آمده­اند، از علاقة بازی‌گران دولتی و غیردولتی به شکل­دهی افکار عمومی از طریق کانال­های برخط سخن می­گویند.

**روندهای نوظهور**

این موارد فی‌نفسه غافل‌گیرکننده نیستند، چون همان‌طور که رسانه­های جاافتاده­ای چون روزنامه و رادیو در گذشته در معرض عملیات روانی بوده­اند، پیش­بینی می­شود کانال­های برخط نیز مشمول این‌گونه عملیات شوند.[[18]](#footnote-18) در عین حال به نظر می­رسد دو روند کلیدی آمادة پوشش دادن به این فعالیت­های جدید در زمینة عملیات روانی هستند، به گونه­ای که آنها مؤثرتر واقع شوند و محیط ژئوپولیتیک جهانی را در آیندة نزدیک بی­ثبات سازند. این نسل جدید تبلیغات رایانه­ای خطرهای جدیدی را نیز به همراه دارد و برای تخفیف این تهدید باید تحلیل­هایی در مورد دخالت‌های قانونی و فنی صورت گیرد.

**روند: نمونه­های جعلی بهتر**

بسیاری از فعالیت­های تشریح شده در بالا، تصنعی­سازی[[19]](#footnote-19) را تسهیل می­کنند. این تصنعی­سازی به معنی ایجاد توده­هایی است با هویت­های ساختگی برای ایجاد این احساس که تغییری در افکار حاصل شده، حال آنکه در واقعیت چنین چیزی نیست. این نوع فعالیت­ها اساساً متکی بر باورپذیریِ هویت­های ساختگی است. اگر جعلی بودن این "کاربران" به راحتی مشخص شود یا معین گردد که از منبع مشخص و واحدی هستند، تأثیر اقناعی آنها به شدت کاهش می­یابد و خروج کاربران از شبکه به راحتی آنها را تحلیل می­برد.

امروزه واقعی بودن فعالیت­های اقناعی روبات­های اینترنتی محدود شده است. حساب­های کاربری جعلی اغلب یک محتوی را بارها و بارها تکرار می­کنند و تصویر پروفایل­ها و محتواهای دیگر اغلب از جایی به صورت فله­ای نسخه‌برداری می­شوند.[[20]](#footnote-20) وقتی محتوا با برنامه­ تولید می­شود، پست­ها در این حساب­های کاربریِ جعلی اغلب با ساختار نحوی یا مجموعه­ای بی­معنا از واژگان پدیدار می­شوند.[[21]](#footnote-21)

در واقع این نظم اغلب ابزاری است که گزارش­گران از طریق آن قادر به شناسایی و گزارش روزآمد این فعالیت­ها هستند. همچنین این امر میزان این فعالیت­های اقناعی را محدود کرده است: برنامه­ریز آیندة این نوع عملیات روانی باید به‌طور دستی هویت­های منحصربه­فرد و باورپذیری طراحی کند که این امر هزینه­ها و زمان لازم برای راه­اندازی و اجرای این ترفندها را افزایش می­دهد.

در عین حال به نظر می­رسد با پدیدار شدن فنون جدید، هزینة شبیه­سازیِ هویت­های باورپذیرتر به میزان زیادی کاهش یابد. روش­های تولید برنامه­ریزی شدة چهره­های ساختگی که واقعی به نظر آیند و به‌قاعده باشند، همچنان رو به بهبود هستند.[[22]](#footnote-22) بر همین اساس پیشرفت­ در یادگیری ماشینی، ایجاد گفتار رایانه­ای را که نمودی معتبرتر از پیش داشته باشد، امکان­پذیر می­سازد.[[23]](#footnote-23) نتیجة نهایی خلق هویت­هایی است که بدون نسخه­برداری آشکار از سایر منابع، واقعی به نظر می­آیند.

فناوری افزون‌بر ظرفیت خلق هویت­های ساختگی که واقعی به نظر برسند، هزینة توانمند ساختن آنها برای تعامل مؤثر با کاربران واقعی را نیز کاهش می­دهد. پیشرفت در زمینة یادگیری ماشینی و یادگیری عمیق امکان خلق کارگزارانی را که بتوانند گفت­وگو کنند، فراهم می­سازد که بسیار پیچیده­تر از آن چیزی است که در گذشته وجود داشته است.[[24]](#footnote-24) این تحقیق را می­توان به سرعت از مقاله­های آزادِ موجودی بر گرفت که در مورد توانمندسازی فوجی از هویت­های جعلی مطلب نوشته­اند که توان تعاملِ باورپذیر با کاربران واقعی را دارند و اعتماد آنها را جلب می­کنند.

این هر دو روند هم هزینه­های خلق هویت­های باورپذیر را کاهش می­دهند و هم انعطاف­پذیری آنها را برای به‌کارگیری این فعالیت­ها افزایش. در حالی که روبات­های مجازی در گذشته بیشتر برای ارسال یک سلسله پیام­های تکراری یا پوشاندن شهرت یک کاربر به کار می­رفتند، فناوری­های جدید می­توانند موجد فعالیت­های ظریف­تری برای اقناع و برقراری رابطة دوستانه با کاربران واقعی در مقیاس وسیع باشند. به کمک این فناوری­ها امکان شناسایی کمتر می­شود چرا که رفتار روبات­های مجازی با رفتار عادی کاربران انسانیِ برخط به میزان زیادی هم‌گرا می­شود.[[25]](#footnote-25)

**روند: داده­ها، هدف­گزینی و فیزیک اجتماعی**

به­کارگیریِ گستردة ایستگاه­های رسانه­های اجتماعی از جمله تحولات تعیین­کننده در دنیای وبِ مدرن است. ایستگاهی چون فیس­بوک در حال حاضر بیش از 7/1 میلیارد کاربر در سطح جهان دارد و توئیتر و واتس­آپ هر کدام به ترتیب 313 و یک میلیارد کاربر دارند.[[26]](#footnote-26)

به موازات بهره‌گیری از این ایستگاه­ها، داده­های بسیار زیادی در مورد رفتار اجتماعی نیز تولید شده است. کاربران با فعالیت­های خود در این شبکه­ها اولویت­ها و ارتباطات اجتماعی خود را آشکار می­سازند که در مجموع به میزان زیادی تفکیک­پذیر هستند و تصویری از بخش­های وسیع جمعیت جهان پدید می­آورند که پیوسته به­روز می­شود. این داده­های فراوان دو تأثیر مهم بر جای گذاشته است که به آیندة عملیات روانی مربوط می­گردد.

یکی از آنها افزایش امکان هدف­گیریِ مؤثر پیام­ها برای عناصر سازندة خاص و حتی افراد مورد نظر است. این امر بیشتر در خدمات تبلیغیِ ارائه شده در رسانه­های اجتماعی مشهود است. برای نمونه فیس­بوک این امکان را برای شرکت­های تبلیغاتی فراهم می­سازد که تبلیغات خود را بر حسب علاقه، موقعیت جغرافیایی و ارتباط رفتاری برای طیف وسیعی از افراد بفرستند.[[27]](#footnote-27) این امکانات حتی بدون داده­ها و مجوز لازم از یک شبکة اجتماعی وجود دارد. طیفی از فعالان، مسئله­سازان اینترنتی و دیگر بازیگران سیاسی از پست­های عمومی و پروفایل­های کاربری برای ­ارسال پیام­های استخدام یا ایجاد مزاحمت در سال­های اخیر بهره جسته­اند.[[28]](#footnote-28) با راه­اندازی گروه­هایی از روبات­های مجازی که برای ارسال پیام و توسل به علایق افراد خاص طراحی شده­اند، به‌ظاهر اطلاعات لازم برای فعالیت­های عملیات روانی فراهم می­آید.[[29]](#footnote-29) هر چه پیش‌تر می­رویم هدف­گیری فردی­تر و مؤثرتر می­شود.

ثانیاً محققان با تسهیل دسترسی به داده­های اجتماعی در پی درک بهتر سازوکار پدیده­های رفتار گروهی همچون انتشار محتوایِ "ویروسی" از طریق شبکه، یا عواملِ مشوق انتشار اطلاعات نادرست، بوده­اند.[[30]](#footnote-30) این امر مجموعه­ای از تحقیقاتی را به دنبال داشته که الکس پنت­لند آن را "فیزیک اجتماعی" جدید خوانده است، یعنی درک کاملاً پیشرفته و کمّی از فرایندهای اجتماعی که امکان پیش­بینی و دست‌کاریِ این فرایندها را فراهم می­سازد.[[31]](#footnote-31) آزمایشگاه پنت­لند با ساده­سازیِ این فنون توانست محرک و عامل یک جست‌وجوی سراسری باشد که با هماهنگی جمعی از همکاران برای غلبه بر چالش بزرگ سازمان طرح­های تحقیقاتیِ دفاعی پیشرفته (دارپا)[[32]](#footnote-32) در سال 2009 صورت گرفت.[[33]](#footnote-33) آثار جدیدتر که در ارتباط با فضای عملیات روانی بوده بر این نکته متمرکز شده­اند که چگونه تغییر برای نشان دادن اطلاعات مربوط به هم‌سالان می­تواند بر رفتار فرد هنگام رأی دادن اثر گذارد.[[34]](#footnote-34)

در عین حال به نظر می­رسد این نتایج در قلمرو تحقیقات دانشگاهی کاربرد روشنی در بافت عملیات روانی برخط داشته باشد. بسیاری از این نتایج در نشریه­های پژوهشی آزادانه منتشر می­شوند و به راحتی می­توان آنها را برای افزایش تأثیر فعالیت­های اقناعیِ برخط ساده­سازی کرد. این امر می­تواند استفاده از مدل­های آماریِ پیش­بینی‌کننده را برای اطلاع­ از این نکته دربر­گیرد که چه موقع تلاش برای پیام­رسانی بیشترین تأثیر را در انتشار یک پیام دارد و یا چه هنگام می­توان از الگوریتم­های مدرن شناسایی اجتماعات برای تشخیص هویت کسانی که به‌ظاهر برای علت خاصی هم­داستان و متحد شده­اند، استفاده کرد.[[35]](#footnote-35)

**نسل بعدی عملیات روانی**

موردپژوهی­ها و روندهای اخیر روی­هم­رفته ظهور نسلی جدید از فعالیت­های عملیات روانی را نشان می­دهند که به لحاظ دامنه وسیع­تر و نسبت به انواع فعالیت­های گذشته مؤثرترند. برای روشن شدن این موضوع، پخش اعلامیه را تشریح کرده­ایم که نمونة سنتی و ثبت­شده­ای از عملیات روانی است.[[36]](#footnote-36) در اینجا چهار اختلاف کلیدی روشن می‌شود.

نخست، روش­های سنتی عملیات روانی به‌نسبت هزینة بیشتری دربردارند، در حالی که پخش اعلامیه مستلزم چاپ و پخش آن بر فراز منطقه­ای وسیع به وسیلة هواپیماست، فعالیت روبات­های مجازی به صورت برخط هماهنگ و پیام­ها برای تمام نقاط دنیا با هزینة اندک یا بدون هزینه ارسال می­شود. این راهبرد در دسترس بازیگران دولتی قرار دارد و امکان اجرا را برای گروه­های کوچکی از افراد فراهم می­آورد که در گذشته منابع لازم را برای اقناع مؤثر در چنین مقیاسی نداشته­اند.

دوم، عملیات روانیِ سنتی به‌نسبت کندتر است. پخش اعلامیه مستلزم تهیة پیش­نویس محتوا، چاپ کاغذ برای توزیع، و سرانجام پخش است. در عوض نوع فعالیت­ روبات­های مجازی که در سال­های اخیر شاهد بوده­ایم امکان رساندن فوریِ محتوا به مخاطبان را فراهم می­سازند و می­توان آنها را از طریق حساب­های کاربری ساختگی که به‌سرعت تولید یا خریداری می­شوند، توزیع کرد.[[37]](#footnote-37) این سرعت البته سریع­تر شدن تکرار و دوباره­گویی را نیز در بر دارد: تغییر در پیام­ در وضعیت پخش اعلامیه که بی­اثر بودن آن به اثبات رسیده، مستلزم چاپ مجدد است. در مقابل، روبات­های مجازی می­توانند هر گاه که کاربر بخواهد تغییر را اِعمال ­کنند و این فرازوفرودها را چالاک­تر به انجام ­رسانند.

سوم، عملیات روانی سنتی به لحاظ میزان داده­ها فقیر است، حال آنکه نسل جدید عملیات روانی داده­های فراوانی را در مورد رفتار اجتماعی به دست می­دهد که اینک به صورت برخط موجود است. این امر ممکن است ملاحظاتی برای نحوة اثرگذاری این فعالیت­ها در پی داشته باشد. توزیع اعلامیه بازخورد چندانی در مورد اینکه چه کسی پیام را دریافت کرده و چه کسی از آن تأثیر گرفته به دست مجریان نمی­دهد.[[38]](#footnote-38) در عوض فعالیت­ روبات­های مجازی که در رسانه­های اجتماعی همچون توئیتر رخ می­دهد به عاملان آنها این امکان را می­دهد که گیرندة پیام را خود انتخاب و تغییر در رفتار مخاطب هدف را به‌دقت رصد کنند. وانگهی کاربران این روبات­ها می­توانند فنون "فیزیک اجتماعی" را که شرح آن رفت ساده­سازی کنند و عملیات آتی خود را پیش­بینی و برای آنها برنامه­ریزی نمایند.

چهارم، عملیات روانی سنتی بیشتر ناشی از اتکای آنها به اَشکال مشهودترِ توزیع است. در این شکل اعلامیه­ها به صورت عینی پخش می­شوند (برای نمونه از طریق هواپیما)، که می­تواند عاملان آن را آشکار سازد، لیکن در مورد روبات­های مجازی چنین چیزی وجود ندارد. این عملیات را ممکن است یک گروه بزرگ با هویت­های جعلی انجام دهد و هیچ نشانی از خود بر جای نگذارد. به­علاوه پیام­رسانی می­تواند با ظرافت صورت گیرد به‌طوری که روبات­های مجازی پیام­های اقناعی خود را با محتوایی ملایم­تر درآمیزند و باورپذیری آن را تقویت و جریان یک عملیات روانی را پیچیده نمایند. نتیجة نهایی اینکه نسل بعدی فعالیت­های عملیات روانی را چندان نمی­توان به کسی نسبت داد. گفتن اینکه چه کسی این تلاش اقناعی را انجام می­دهد، دشوارتر است و حتی زمان شروع یا خاتمة آن را نمی­توان تعیین کرد.

این نکات افتراق در مقایسه حاکی از تغییر در میزان عملیات هستند که خود به درستی نشان‌گر تغییر در نوع عملیات­اند. وقتی نسل بعدی عملیات روانی با پیشرفت­ در امکان تولید هویت­های باورپذیرتر در آمیزند و منجر به درک بهتر عوامل تغییردهندة رفتار گروهی گردند، به‌ظاهر می­توانند بازیگران مختلف را در شکل­دهی مؤثر این عملیات و اقناع در مقیاس وسیع توانمند سازند. بی­ثباتی حاصله به‌ویژه وقتی با تحول پیوستة رایاورد همراه شود، می­تواند تداخل بین­المللی بیشتر را نسبت به گذشته توجیه کند.

**سناریوهای آینده**

برای ملموس­تر کردن تحلیل بالا، مجموعه­ای از سناریوهای فرضی را ارائه می­دهیم که فنون مورد استفادة کنونی و روندهای نوظهور را برای تشریح تهدیدهایی ساده می­سازند که ممکن است به عنوان عملیات روانی در آیندة نزدیک به­کار گرفته شوند. این سناریوها به صورت مجموعه­ای از گزیده­های واقعی از قضایای خبری ارائه شده است؛ در تحلیل آنها به تشریح این نکته پرداخته­ایم که چگونه فنون مختلف می­توانند در یک عملیات با یکدیگر تلفیق و ترکیب شوند.

**هویت­های واقعی – "تیراندازانی که به واسطة روبات­های مجازی دست به عملیات افراطی زده­اند و هنوز هدفشان مشخص نشده است"**

شیکاگو برای هفتمین روز متوالی در حالت امنیتی قرار دارد چرا که جست‌وجوی گسترده برای یافتن جیمز کالفورد قاتل احتمالی ادامه دارد. مجریانِ قانون نتایج تحقیق روی رایانة کالفورد را منتشر ساخته­اند که حاکی از تأیید گزارش­های اولیه است، به‌ظاهر وی در اثر یک سلسله گفت‌وگوهای ادامه­دار با مجموعه­ای از کاربران در رسانه­های اجتماعی تحریک شده است. محققان بر این نظرند که همانند این شیوة ارتباط در جای دیگر وجود داشته و نشان می‌دهد که این حساب­های کاربری با اجرای یک برنامه، هویت جعلی داشته­اند. هنوز مشخص نیست که چه کسی این روبات­های مجازی را منتشر کرده یا چه تعداد از آنها هنوز وجود دارد . . . .

تحریک افراد به انجام اقدامات تروریستی می­تواند با ایجاد فوجی از "روبات­های عضوگیر" افزایش یابد. این روبات­ها که کار شناخت الگوهای رفتاریِ کاربران را تسهیل می­کنند، نشان می­دهند که یک کاربر ممکن است پذیرای پیام ارسالی باشد و برای انجام یک عمل مرگ‌بار تحریک شود. روبات­های بسیاری را می­توان با هویت­های مختلف به­کار گرفت که پی­درپی می­توانند نامزدهای بالقوه را در رسانه­های اجتماعی با سوابق متفاوت شناسایی کنند و به نظر آنها پی برند، نیز برای اجتناب از شناسایی تضمین می­دهند که این نامزدها ارتباط قبلی با یکدیگر نداشته­اند.

وقتی هویتی آینده­­دار شناسایی می­شود، تهیه­کنندگان این روبات­ها ممکن است برای گفت‌وگویِ عمیق­تر به کانال‌های خصوصی که عاملان انسانی هدایت­گر آنها هستند، نقل­ مکان کنند تا شناسایی کسی که پشت پردة تلاش برای عضو­گیری است، دشوارتر گردد. نیز ممکن است عاملان این گفت‌وگوهای پیچیده الگوهای عضوگیری متفاوتی به­کار گیرند و به این ترتیب چالش شناسایی روبات­های متصل به یک کار روانی با محتوای مشابه را بیشتر سازند.

**کنترل اختلال – افشای اخبار و نیز اخبار جعلی، منجر به سقوط بازار شده­اند، تنظیم­کنندگان بازار در پی تثبیت آن هستند**

در حالی که تنظیم­کنندگان بازار کماکان از افشای اخبارِ حاکی از بی­ثباتی بانک­های برجستة کشور دچار سردرگمی شده­اند، سقوط سهام بورس داو جونز برای چهارمین روز پیاپی شیب تندی را نشان می­­دهد. هر چند هویت افشا‌کننده هنوز مشخص نیست، تحقیقات حاکی از آن است که برخی اسناد که اساساً مدعی اصل بودن دارند، در واقع جعلی و کاذب بوده­اند. به‌ظاهر روزنامه­نگاران خاصی هدف یک اقدام هماهنگ برای انتشار اطلاعات نادرست از طریق دست‌کاریِ حساب­های کاربری آنها در فیس­بوک و توئیتر بوده­اند. . . .

واکاویِ داده­های کاربران اثرگذارِ کلیدی نیز می­تواند امکان ایجاد مدلی را فراهم سازد که بر اساس آن بتوان با اطمینان زمان اشتراک­گذاری اطلاعات آنها برای مخاطبانِ برخطشان را پیش­بینی کرد. متغیرها می­توانند بروز محتوای مشخص از چندین منبع معتبر، زمان دریافت محتوا، یا میزان انطباق محتوا با مفاهیم پیشین را شامل شوند. با پایش فعالیت آنها یا بررسی یک هدف با انواع مختلف محتوا، یک تهیه­کنندة روبات مجازی می­تواند مدل‌های آماریِ چندین کاربر اثرگذار و مهم را فراهم و آنها را برای ایجاد ترکیبی از محتوای درست و ساختگی توانمند سازد تا بتوان آنها را در سطح وسیع به اشتراک گذاشت. در اینجا از چنین فنونی برای انتشار پیام­هایی بهره گرفته می­شود که بازارهای مالی را دست‌کاری می­کنند و اثر آنها با سامانه­های تجاریِ الگوریتمی به‌طور بالقوه افزایش می­یابد، این سامانه­ها تجارت­هایی را پایش می­کنند و می­سازند که به طور خودسامان متکی بر محتوای برخط هستند.[[39]](#footnote-39)

**حملات زمینی – "صدها نفر در اثر بمب­گذاری کشته شدند؛ قربانیانی که به خاطر پیام­های بی­پایه و اساسِ اینترنتی گمراه شدند"**

خدمة اورژانس در حال جست‌وجو در بقایای حاصل از بمب­گذاری امشب در مرکز شهر هستند که گفته می­شود بدترین حملة تروریستی در تاریخ سرزمین ماست. در این ساعت جزئیات بیشتری برای ما ارسال می­شود، به نظر می­رسد با هکِ گسترده­ای که تروریست­ها را قادر به ارسال پیام­های اضطراری جعلی در سراسر شهر کرده، میزان تلفات افزایش بسیاری داشته است چرا که این پیام­ها با ایجاد ترس قربانیان را به رفتن به نواحی پرخطر ترغیب می­کردند. این پیام­ها حاوی تصاویر ساختگی از پناهگاه­ها و مناطق امن در نواحی بمب­گذاری شده بودند. محققان همچنین متوجه شده­اند که شبکه­ای از روبات­های اخلال­گر با موفقیت این پیام­های "اغواگر" را اواخر شب گذشته برای چندین ایستگاه شبکة اجتماعی ارسال کرده­اند. با وخیم­تر شدن اوضاع، مقامات مسئول به شهروندان توصیه کرده­اند که مراقب این محتواهای جعلی باشند . . . .

رایاورد و نسل بعدی عملیات روانی به هم می­پیوندند تا به میزان زیادی بر خسارات ناشی از عملیات تروریستی بیفزایند. در این سناریو استفاده از بمب­گذاری فرصتی را برای آسیب­پذیری بیشترِ فنی فراهم می­سازد تا حدی که اثر مرگ‌بار این عمل مضاعف می­گردد. از این موارد در ارسال اطلاعیه­های خدمات عمومی بر روی دستگاه­های تلفن همراه نیز استفاده می­شود. این مسئله می­تواند با عمل موازیِ اطلاعات نادرست بر روی شبکه­های اجتماعی همراه شود، اطلاعات نادرستی که در پی ترغیبِ فرد با هویت­های جعلیِ باورپذیر نیستند بلکه صرفاً برای دست‌کاری الگوریتم­هایی به­کار می­روند که شبکه­های مختلف از آنها برای شناسایی و "اغوای" کاربران خود استفاده می­کنند. تهیه­کنندگانِ پیام­ها می­توانند راهبردهای ارسال پیام را در حین کار نیز اصلاح کنند، این امر این امکان را به آنها می­دهد که پیام­های مؤثر و جدید را حتی وقتی مقامات در پی ریشه­کنی اطلاعات نادرست پیشین هستند، تهیه کنند.

**چالش برای انتساب پیامِ "معترضان در جنگ خونین خیابانی به یکدیگر حمله ­بردند"**

با درگیری سه گروه رقیب از مخالفان دولت در برخوردهای خشن، به‌ظاهر تظاهرات دیشب علیه دولت با قاطعیت سرکوب شده است. محور مخالفت­ها پذیرش پیشنهاد الف در برابر درخواست­های مخالفان بوده که نقطة انفجاری است بین جناح­های چپ و راستِ حزب. این پیشنهاد تا همین اواخر در نظر بسیاری از اعضا مسکوت بود که بار دیگر در چندین تریبون برخط موضوع حادی شده است. رئیس­جمهور امشب از طریق امواج رادیویی این خشونت­ها را محکوم کرد و از گارد ملی خواست که مقررات منع آمدوشد را اجرا کنند. او گفت: "اگر آنها نمی­توانند خود را اداره کنند، چگونه می­توان انتظار داشت که کشور را اداره نمایند؟".

سناریوهایی که تاکنون بررسی شد، سناریوهایی هستند که در کار عملیات روانی بر ترغیب هوادارانِ هدف تمرکز دارند. در عین حال این فنون به همین نحو به­کار گرفته می­شوند تا گروهی را تجزیه کنند و درگیری در آن به وجود آورند، که نمونة آن در اینجا اعتراض عمومی به دولت است. در حالی که این هدف در بافت عملیات روانی، جدید نیست، چون اطلاعات را از هر جای جهان با هزینة کم و گروه­های کوچک می­توان بارگذاری کرد، انتساب آن به هویت­های خاص می­تواند بدل به چالشی بزرگ شود. عملیات روانی جدید نیز به‌طور انحصاری می­تواند، ضرورت ارسال مستقیم پیام برای اهداف مورد نظر را مرتفع نماید: می­توان به­سادگی از روبات­های مجازیِ اخلال­گر با دست‌کاری الگوریتم­های "اغواگر" در شبکه­های اجتماعی برای تقویت دیدگاه­های بحث­انگیز و ایجاد درگیری استفاده کرد.

نتیجة همة اینها این است که تعیین منبع این‌گونه عملیات دشوار است، خواه از سوی رئیس­جمهور فعلی باشد، از سوی گروهی هم­پیمان با رئیس­جمهور، یا حتی از سوی منبعی در خارج از کشور که با دولت کنونی هماهنگ نیست. در واقع نمی­توان به­راحتی مشخص کرد که اصلاً عملیاتی در حال روی دادن است چرا که به کمک این فنون می­توان موارد مشابهی را تولید کرد که با اقدامات سیاسی "اصلی" شباهت بسیار دارند.

**بخش دوم: واکنش­ها – چارچوب­های موجود**

 همان‌طور که از سناریوهای بالا مشخص است، نسل بعدی عملیات روانیِ برخط می­تواند مخرب­تر از فنونی باشد که در گذشته از آنها استفاده می­شد. در همین حال سرعت، کاهش هزینه، عدم امکان انتساب و غنای اطلاعاتی که در حال حاضر وجود دارد، این فنون جدید را بدل به ابزاری بسیار جذاب برای دولت­ها و بازیگران غیردولتی کرده که در پی بی­ثبات کردن دولت­های مخالف در سراسر جهان هستند.

به نظر می­رسد این مسئله امروز موضوعیت پیدا کرده است. آن‌طور که تحقیق ناتو در سال 1015 نشان می­دهد، روسیه با دست‌کاری در رسانه­های اجتماعی آنها را مکمل عملیات نظامیِ جاری خود در اوکراین نمود.[[40]](#footnote-40) فنون به­کار رفته در این عملیات شامل انتشار اطلاعات افشا شده، داستان­های خبریِ ساختگی، و هک کردن به منظور نفوذ در افکار عمومی در کریمه بود.[[41]](#footnote-41) به‌ظاهر راهبرد جاری همین است چرا که به گفتة ژنرالِ ناتو فنون مشابهی در حملة سال 2008 به گرجستان دیده شده است.[[42]](#footnote-42) چنانچه این راهبردها به طور گسترده در درون و بیرون از بافت درگیری­های مسلحانه به­کار گرفته شود، تأثیر جهانی آن می­تواند دوچندان و منفی باشد.

مادام که دولت­ها و بازیگران غیردولتی از این عملیات روانیِ برخط علیه دولت­های دیگر بهره می­برند، آیا چارچوب‌‌ها، قوانین، مقررات و هنجارهای بین­المللی موجود می­تواند ابزاری برای مقابله با به­کارگیری آنها باشد؟ این بخش به واکاوی همین مسئله می­پردازد و عملیات روانی جدید را در بافت مقررات جنگیِ موجود و نیز اقدامات مربوط به عمل مجرمانه، و مقررات زیرساخت­های ارتباطی بررسی می­کند و امکان هماهنگی منطقه­ای را با بهره‌گیری از موردپژوهیِ اروپا می­کاود. سرانجام به این نتیجه می­رسیم که مجموعة رنگارنگ قوانین و مقررات موجود نمی­توانند این فنون جدید را به‌طور مؤثر پوشش دهند؛ سپس به ارائة راه­های بدیلی پرداخته­ایم که می­توانند ابزار کار­آمدی برای مواجهه با این تهدیدات باشند.

**ملاحظة مقدماتی: استقلال**

حقوق بین­الملل به‌طور مستقیم به عملیات روانی نمی­پردازد. آن‌طور که از مقاله­ای در سال 2007 برمی­آید "حقوق بین­الملل صرفاً از طریق قیاس و آنگاه به شیوة چهل­تکه عملیات روانی را پوشش می­دهد".[[43]](#footnote-43) برای این هدف و به منظور بهره­برداری از حقوق بین­الملل برای کنترل استفاده یا تکثیر این فنون، اقدامات یا مجازات­هایی را که در پی استفاده از آنها برای محدود کردن یا کنترل هستیم، باید متناسب با چارچوب تعاریف و معانی موجود باشد. این امر چالشی مهم را در پی خواهد داشت، چون برای اینکه سازوکارهای فعلی برای عملیات روانی به­کار آید، تعاریف موجود باید به شیوه­ای جذاب و پسندیده بازبینی و تفسیر شود.

در آغاز، بازبینیِ مفاهیم اساسی در امر استقلال که در ساختار حقوق بین­الملل بدانها توجه شده، ضروری می­نماید. یک اصل بنیادین در چارچوب جدید این است که موافقت­نامه­های بین­المللی با رضایت دولت­ها عملیاتی می­شوند، دولت­هایی با هویت­های حقوقی و دارای استقلال در یک منطقة جغرافیایی.[[44]](#footnote-44) استقلال به‌عنوان حق و اختیار تام برای ادارة یک سرزمین بدون دخالت یک منبع یا هیئت بیرونی فهم می­شود. گاه آن را با اصطلاحاتی چون "حق تعیین سرنوشت" یا "خودمختاری" توصیف می­کنند. عموماً دولت­های مستقل نه وابسته به قدرت یا دولت دیگری هستند و نه تحت قیمومیت آن قرار دارند. آنها بدون هر گونه دخالت خارجی، مستقل عمل می­کنند.[[45]](#footnote-45)

در حالی که تعریف الزام­آور و جهانیِ دقیقی برای کاربرد استقلال دولت در محدوده­های جغرافیایی معین وجود ندارد، کنوانسیون مونته­ویدئو در سال 1933 در مورد حقوق و وظایف دولت­ها، عمده­ترین صورت­بندیِ پذیرفته شده برای معیار دولت بودن در حقوق بین­الملل جدید را مشخص کرده است. این کنوانسیون عنوان می­دارد که دولت در مقام یک شخصیت حقوقی باید دارای (الف) یک جمعیت دائمی، (ب) یک سرزمین مشخص، (ج) حکومت، و (د) توان لازم برای برقراری ارتباط با سایر دولت­ها باشد.[[46]](#footnote-46)

امر مهمی که باید به آن توجه کرد این است که این معیارهای پذیرفته شده برای دولت­مندی اشاره­ای به باورهای این جمعیت دائمی نمی­کنند. هیچ دلیلی وجود ندارد که جمعیتی که تحت حاکمیت دولت است و در سرزمین تعریف‌شده­ای زندگی می­کند، باید از درکی مشترک از جهان و متمایز با جمعیت کشورهای دیگر برخوردار باشد. مقاله­ای در سال 2005 با در نظر گرفتن محدودیت­های حقوقی بین­المللی در زمینة اِعمال عملیات روانی به این نکته توجه نمود که مفاهیم سنتی در خصوص استقلال اگر قرار باشد "قلب­ها و اذهان مردم را نیز پوشش دهند"، باید بسط مفهومی پیدا کنند.[[47]](#footnote-47)

یک دولت برای رسیدن به این هدف و نیز تسهیل قوانین بین­الملل موجود برای محدودسازی و کنترل عملیات روانی، نخست باید موضعی جدید اتخاذ کند که در آن عملیات روانی و تأثیرات بالقوة آن به­خوبی فهم و تأثیر آن بر استقلال به‌گونه­ای لحاظ شده باشد که با قوانین بین­المللی بتوان آن را محَقق نمود. این امر مستلزم بازتفسیر فوق‌العاده­ای است که در آن دخالت در افکار عمومیِ مردمان کشورهای دیگر هم­وزن دخالتِ فیزیکی تلقی گردد. بیشتر پیمان­های بین­المللی به مسائل بسیار خاص به محدودترین وجه ممکن توجه می­کنند و مشخص نیست چنین تفسیری مورد قبول سایر دولت­ها نیز باشد.

همان‌طور که در بافت محدود جنگ تشریح شد، استثنائاتی در خصوص بهره‌برداری از فنون عملیات روانی برای اثرگذاری بر روحیة نیروهای مسلح و دست­یابی به اهداف نظامی وجود دارد. در عین حال معیاری نیست که بر اساس آن بتوان غیرنظامیان یک کشور را به‌طور قانونی با عملیات روانی در جنگ یا زمان صلح مورد هدف قرار داد. حتی اگر فرض کنیم که حقوق بین­الملل برای رسیدن به چنین موضعی تغییر کند، چارچوب­های بین­المللی موجود برای پوشش جامع کابوس آسیب ناشی از نوع عملیات روانی که در آیندة نه چندان دور از آن استفاده می­شود، کافی نیست.

**چارچوب: مقررات جنگ**

برخی تلاش­های اولیه برای فهم بی­اثر کردن عملیات روانی در عصر اینترنت از تحقیقاتی بروز کرد که در بافت نظامی و امنیت ملی انجام گرفته بود، در آنجا مشاهده شد که عملیات اطلاعاتی، حکایت از آیندة محتملی دارد که در آن اهداف نظامی را می­توان به شیوه­های جدید و با بازیگران بالقوة جدید محَقق نمود. این مسئله منجر به تحقیقات چندی در این خصوص شد که آیا می­شود مقررات درگیری مسلحانه را به اقدامات خصمانه­ای که از طریق عملیات روانی صورت می­گیرد، تعمیم داد یا خیر و اگر می­شود، چگونه.[[48]](#footnote-48)

مقررات حاکم بر خصومت­ها و درگیری­های بین­المللی بر ممانعت و محدودسازی درگیری­های مسلحانه میان کشورهای مستقل تأکید دارند. دو دسته قانون بر این فضا حاکمند: قوانین مربوط به زمان صلح (*jus ad bellum)* و قوانین مربوط به زمان جنگ (*jus in bello) .* دستة اول قوانینی است که به زمان صلح و ورود در جنگ مربوط می­شوند و دستة دوم حدود و ثغور جنگ را معین می­کنند. در زیر هر یک از این دو را بررسی می­کنیم.

**قوانین زمان جنگ**

قانون زمان جنگ تحلیل را در یک حالت فرضی چارچوب­بندی می­کند که در آن بهره‌برداری از عملیات روانی از سوی یک کشور در زمان جنگ علیه دشمن مسئلة آن است. این مسئله در مقاله­های متعددی از اواخر دهة 1990 و اوایل 2000 بررسی شده است.[[49]](#footnote-49) این مقاله­ها قانون جنگ را برای عملیات روانی اِعمال می­کنند تا معین کنند آیا می­توان از آن به عنوان سلاح در جنگ استفاده کرد.

قانون جدید جنگ که قانون انسان­دوستانة بین­المللی نیز خوانده می­شود از آغاز در پی محدود کردن هدف جنگ صرفاً به اهداف نظامی بوده است. این هنجاری پایدار برای این قانون است که "تنها هدف مشروعی که دولت­ها باید برای تحقق آن در زمان جنگ تلاش کنند، تضعیف نیروهای نظامی دشمن است."[[50]](#footnote-50) چون عملیات روانی بسیار مشخص است و می­توان آن را به اهداف نظامی محدود ساخت، تحلیل­گران نتیجه می­گیرند که آماده­سازی و بهره‌برداری دقیق از این عملیات چارچوب قانون زمان جنگ را نقض نمی­کند.[[51]](#footnote-51)

با وجود این حقیقت که چارچوب­های موجود برای عملیات روانیِ برخط در زمان جنگ به­کار می­روند و آن را پوشش می­دهند، لیکن کاربرد آنها همواره نتایجی محسوس به­بار نمی­آورد. یک نمونه را می­توان در تلاشی مشاهده کرد که مقاله­های موجود برای تدوین تدابیر آیین­نامه­ای به کار بسته­اند که از امکان استفاده از این "سلاح" جدید و نقض قوانین جنگ جلوگیری می­کند. این امر وزارت دفاع امریکا را بر آن داشته است که در گزارش خود در سال 1999 در مورد مسائل حقوقی بین­المللی در عملیات اطلاعاتی بر این نکته تأکید ورزد که علیرغم خطر اندک در شناسایی و پیگرد قانونی، "این خط مشی کاملاً تثبیت شدة امریکا است که نیروهای این کشور قوانین جنگ را به طور کامل رعایت کنند" حتی آن زمان که جنگ، حمله شبکه­ رایانه­ای را فراتر از اهداف خود شامل شود. این امر متضمن این نکته است که دست­کم در بافت درگیری­های مسلحانه، حملات ناشی از عملیات روانی باید در هر زمان ممکن از طریق افراد نظامی ­صلاحیت­دار صورت گیرد.[[52]](#footnote-52) این نتیجه‌گیری مبتنی بر قوانین موجود است که در آن تصریح شده صرفاً "رزمندگان قانونی" می­توانند درگیر جنگ شوند، این امر رزمندگان را ملزم می­دارد علاوه بر رعایت موارد دیگر با پوشیدن لباس متحدالشکل خود را از غیرنظامیان متمایز سازند.[[53]](#footnote-53)

البته عملیات روانیِ جدید و برخط توسط عاملانی صورت می­گیرد که به‌طور فیزیکی در معرض دید اهداف خود نیستند. حال آنکه در گذشته ضرورت پوشیدن لباس متحدالشکل به تمایز نظامیان از غیرنظامیان کمک می­کرد، در حال حاضر انجام این کار تأثیر چندانی بر "آوردگاه" عملیات روانی در یک شبکة اجتماعی یا یک پایگاه اطلاع­رسانی ندارد. این مسئله نشان می­دهد که هر چند چارچوب­های فعلی در مفهوم موسع خود کاربرد دارند، بازتفسیر و تدوین هنجارهای جدید برای تعیین نشانه­های مشهودِ وابستگی، ضروری است تا بتوان آنها را برای این نوع فعالیت‌های برخط در جنگ به­کار گرفت. تا امروز هنوز چنین چیزی تعیین نشده است.

**قوانین زمان صلح**

سناریوی دوم که در پوشش قوانین جنگ قرار دارد سناریویی است که در آن یک دولت از عملیات روانی برای دست‌کاری افکار مردم کشوری دیگر بهره می­برد تا به هدفی در زمان صلح دست یابد. قوانین زمان صلح مجموعه­ای از قوانین است که معین می­کند که چه زمان یک کشور می­تواند وارد جنگ با کشوری دیگر شود.

**دفاع از خود**

دولت­ها اساساً و به­طور ذاتی و مستقل دارای حق دفاع از خود هستند. مفهوم دفاع مستقل از خود و در کنار آن مفهوم جنگ منصفانه در کنوانسیون­های ژنو و منشور سازمان ملل، یعنی دو توافق­نامة چندجانبة مهم در باب منازعات بین­المللی، بدانها پرداخته شده است. هر دو سند مفروض می­گیرند که موقعیت­هایی وجود دارند که در آنها یک دولت برای دفاع از خود مُحق به استفاده از زور است و استفاده از این زور در آنها توجیه شده است.

در عین حال اینکه چه اقدامی موجب حق دفاع از خود می­شود، مفهومی آشفته و متغیر در قانون بین­الملل است. کنوانسیون­های ژنو تعریف واقعی به دست نمی­دهند و مرجع جهانی برای طبقه­بندی "درگیری­ها" وجود ندارد. کنوانسیون­های ژنو تصریح می­دارند که ورود به درگیری­های بین­المللی صرفاً باید بر اساس واقعیت و بر حسب مورد باشد.

بند 51 منشور سازمان ملل حملة مسلحانه را وضعیتی برای اِعمال مُوجَه حق دفاع از خود می­داند[[54]](#footnote-54) اما تعریفی از این اصطلاح به دست نمی­دهد. در سال 1950 کشور شوروی از مجمع عمومی سازمان ملل خواست که مفهوم "تجاوز" را "به­درستی" تعریف کند.[[55]](#footnote-55) این درخواست به کمیسیون حقوق بین­الملل برای بررسی ارجاع داده شد و در سال 1974 مجمع عمومی قطع­نامه­ای را تنظیم و در آن فهرست نه­چندان جامعی از اقداماتی را مشخص کرد که به عنوان اقدامات تجاوزکارانه شناخته می­شوند.[[56]](#footnote-56) این اقدامات شامل "یورش یا حملة نیروهای مسلح یک کشور به سرزمین کشور دیگر"، "بمباران سرزمین یک کشور به وسیلة نیروهای مسلح کشور دیگر"، و "بستن بنادر یا سواحل یک کشور توسط نیروهای مسلح کشور دیگر" است.[[57]](#footnote-57)

از قدیم استفاده از نیروهای مسلح، اِعمال زور، به‌شمار آمده است، یعنی دخالت فیزیکی در سرزمین تعریف شدة یک سرزمین مستقل دیگر. بنابراین حق دفاع از خود در پاسخ به تهدید فیزیکی استقلال سرزمینی یک کشور موجه خواهد بود. کشوری که معتقد است قربانی عملیات روانی بوده اگر بخواهد مدعی عمل تلافی­جویانه مبتنی بر دفاع مستقل از خویش باشد، می­تواند از قانون زمان صلح سود برد.

در عین حال انجام این کار مستلزم اتخاذ دو موضع ظریف است. نخست، کشور مدافع باید موضعی را اتخاذ کند که عملیات روانی را با معیارهای کنونیِ حاکم بر دفاع از خود پوشش دهد. این امر بدین‌معناست که بهره‌گیری از عملیات روانی یعنی تجاوز و یا استفاده از زور تحت قوانین و مقررات موجود. همان‌طور که تشریح شد این مسئله مستلزم بازاندیشی مفاهیم اساسی استقلال است که به دلیل روشن نبودن این مفاهیم جامعة بین­الملل آن را نمی‌پذیرد.

همچنین چالش مهم برای یک دولت جهت اتخاذ یک موضع می­تواند این باشد که چه واکنش دفاعی مناسب است و آیا حملة مسلحانه می­تواند پاسخ دفاعی مناسب و به­موقعی در قبال یک عملیات روانی باشد.

قوانین درگیری­های مسلحانه مفهومی بنیادین را دربرمی­گیرند با عنوان "داشتن تناسب". حتی در صورت دفاع مستقل و موجه از خویش، دولت­ها محدود به هنجارهایی هستند که مانع اقدام تلافی­جویانة مضاعف می­شوند. واکنشی که به عنوان دفاع از خود صورت می­گیرد باید به اندازة لازم از زور استفاده کند و متناسب با اقدام انجام شده باشد.

مشخص نیست در واکنش به تجاوز با عملیات روانی چه شکل و چه سطح از زور برای رعایت تناسب مد نظر است. می­توان تصور کرد که دولت­ها "برحسب نوع" واکنش نشان خواهند داد، یعنی اینکه عملیات روانیِ تلافی­جویانه متناسب با نوع و موجه خواهد بود. تحریم­های امریکا در واکنش به تلاش­های روسیه در خلال انتخابات سال2016 و نیز اخراج دیپلمات­های این کشور می­تواند واکنش "متناسب" و پذیرفته تلقی ­شود.[[58]](#footnote-58) در عین حال دولتی که مدعی حق دفاع از خود است نیز می­تواند به شکلی متعارف­تر از اِعمال زور متوسل شود. سرانجام می­توان گفت هنجارهای جاافتاده­ای در خصوص اینکه آیا اطلاعات نادرست یا تبلیغات می­تواند منجر به حق دفاع از خود شود، و نیز زمان انجام آن وجود ندارد و راهنمای واقعی برای مشخص کردن تناسب در چنین اقدامی در این بافت در دست نیست.

احتمال سوء استفاده زیاد است چون هدف­ها ممکن است به عنوان بهانه­ای برای درگیری مسلحانه بر سطح بالایی از تأثیرات ناشی از عملیات روانی اصرار ورزند. به‌ویژه این امر زمانی رخ می­دهد که مشخص کردن عامل عملیات روانی برخط دشوار باشد. همچنین به مانند "قانون زمان جنگ"،چارچوب­هایموجود می­تواند به‎کار آید اما پرسش‌های بدون پاسخی باقی می­ماند که ممکن است بتوانند از بی­ثباتی حاصل از پیشرفت در عملیات روانی برخط بکاهند.

**تبلیغات جنگی**

جدای از فعالیت­های بین­المللی در خصوص دفاع از خود، میثاق بین­المللیِ حقوق مدنی و سیاسی، نظارت­های محدودکننده­ای را بر عملیات روانی برخط اِعمال می­کند. این میثاق که مجمع عمومی سازمان ملل آن را در سال 1966 به تصویب رساند، پیمانی است که 168 کشور آن را امضا کردند و احزاب را ملزم می­دارد که حقوق مدنی و سیاسی شهروندان را رعایت نمایند.[[59]](#footnote-59) با نظارت کمیتة حقوق بشر سازمان ملل، رعایت این میثاق رصد می­شود و ضمن رسیدگی به شکایات از کشورهای عضو این پیمان خواسته می­شود که متناسب با نقض تعهدات یادشده در میثاق بین­المللی حقوق مدنی و سیاسی تلافی کنند.

به طور خاص مادة 20 این میثاق تصریح دارد که "هرگونه تبلیغ جنگی بر اساس قانون ممنوع است" و نیز عنوان می­دارد که "هر گونه حمایت از نفرت ملی، نژادی یا مذهبی که متضمن تحریک برای تبعیض­ نژادی، خصومت یا خشونت باشد، طبق قانون ممنوع است".[[60]](#footnote-60) این شرط مفهومی موسع دارد: ادارة کمیساریایِ عالی حقوق بشر سازمان ملل در اظهار نظری عنوان کرده که مادة 20 "کلیة اَشکال تبلیغی را مد نظر دارد که تهدید به انجام اقدام خصمانه می­کنند یا منجر به چنین اقدامی می­شوند و یا بر خلاف منشور سازمان ملل ناقض صلح باشند."[[61]](#footnote-61) به­علاوه این ممنوعیت صرف­نظر از اینکه این حمایت "هدف­هایی را در داخل یا خارج از کشور مد نظر داشته باشد، قابل اِعمال است".[[62]](#footnote-62)

برای دست­یابی به این هدف میثاق بین­المللی حقوق مدنی و سیاسی را می­توان برای کشورهایی که به عملیات روانی برخط با هدف تحریک برای جنگ، خشونت یا تبعیض دست می­یازند، نیز به­کار گرفت. در حالی که این امر برخی از کاربردهای بالقوه­ای را دربرمی­گیرد که در محیط عملیات روانی برخط مشاهده شده، نمونه­هایی از سناریوهای فرضی بالا فنونی را نشان می­دهند که می­توانند منجر به آسیب­های شدید شوند بدون آنکه الزاماً خشونتی را برانگیزند. عملیات روانی برخط ممکن است در پی ایجاد بی­ایمانی در کشور هدف، بی­ثباتی بازارها، و انتشار اطلاعات نادرستی باشد که شهروندان را به مخاطره اندازد و این همه الزاماً ­در مقولة اقدامات تحریک­آمیز تصریح شده در مادة 20 نگنجد.

حتی هنگام اقدام به عملیات روانی برخطی که ذیل میثاق بین­المللی حقوق مدنی و سیاسی قرار می­گیرد، ملاحظات عملی ممکن است مانع تأثیر این پیمان در مقابله با این اقدامات شود. طبق نتیجه­گیریِ حاصل از تحقیق روی مادة 20 در سال 2007 "دولت­های بسیاری از تحقق مفاد این ماده امتناع می­ورزند به این بهانه که "تبلیغ برای جنگ" به خوبی تعریف نشده و حق آزادی بیان را به طرزی غیرقابل­قبول تهدید می­کند".[[63]](#footnote-63) با اجرای ناقص این میثاق در حقوق ملیِ کشورهای عضو این پیمان، اجرای کامل این مقررات در عمل دشوار به نظر می­رسد.

افزون‌بر این کمیتة حقوق بشر قدرت چندانی برای شکل­­دهی رفتار دولت­ها ندارد و اعلام نموده فاقد نیروی کافی برای این منظور است.[[64]](#footnote-64) حتی اگر در واکنش به یک شکایت، مورد نقضی مشاهده شود، منبع اولیة این کمیته صرفاً درخواست گزارش از سوی کشوری است که اقداماتی برای جبران این نقض انجام می­دهد.

1. . Harder, Better, Faster, Stronger: International Law and the Future of Online PsyOps؛ Tim Hwang1 and Lea Rosen2 1Data and Society 2Pacific Social January 17, 2017 [↑](#footnote-ref-1)
2. . دکترای اطلاعات فرهنگی؛ استادیار دانشگاه جامع امام حسین(ع) **mahani1342@yahoo.com‏** [↑](#footnote-ref-2)
3. . انتشار این مقاله در فصلنامه مطالعات عملیات روانی به معنای تأیید محتوای آن نیست و تنها به‌منظور ارتقاء اطلاعات خوانندگان صورت می‌گیرد. [↑](#footnote-ref-3)
4. . برای نمونه، هالت، فریبکاران؛ لاین­برگر، جنگ روانی. [↑](#footnote-ref-4)
5. . برای نمونه. وِلچ، رایش سوم:سیاست و تبلیغات. [↑](#footnote-ref-5)
6. . سوزِری، "سیاست­های فرسودة تأثیرگذار بر رسانه­های اجتماعی ترکیه"؛ کِتیش، "روبات­های اختلال­زا به توئیتر سرازیر می­شوند تا اطلاعات مربوط به معترضان سوریه را محو کنند [به‌روز شده]." [↑](#footnote-ref-6)
7. . گافنی، "احتمال آماریِ اینکه فالوورهای جدید توئیتریِ میت رامنی صرفاً کاربرهای عادی هستند"؛ اندروز، "روبات­های اینترنتی طرفدار ترامپ در مرکز رازِ نوادا." [↑](#footnote-ref-7)
8. . فین­لی، "روبات­های توئیتریِ طرفدار دولت تلاش دارند صدای فعالان مکزیکی را خفه کنند." [↑](#footnote-ref-8)
9. . دیوئی، "چگونه روبات­های برخط رأی­دهندگان برگزیت را فریب دادند." [↑](#footnote-ref-9)
10. . Operation Earnest Voice [↑](#footnote-ref-10)
11. . فیلدینگ و کوباین، "آشکارشده". [↑](#footnote-ref-11)
12. . کینگ، پَن، و رابرتز، "چگونه دولت چین برای ایجاد اختلال راهبردی پُست­های رسانه­های اجتماعی را سرهم می­کند، بحثی بدون برنامه." [↑](#footnote-ref-12)
13. . چِن، "سازمان." [↑](#footnote-ref-13)
14. . ادارة مدیریت اطلاعات ملی، "ارزیابی فعالیت­ها و مقاصد روسیه در انتخابات اخیر امریکا"؛ کِلی، "اف.بی.آی و سیا در دخالت روسیه در انتخابات ریاست جمهوری اتفاق نظر دارند." [↑](#footnote-ref-14)
15. . رابرتسون، رایلی، و ویلیس، "چگونه می­توان یک انتخابات را هک کرد." [↑](#footnote-ref-15)
16. . smart mobs [↑](#footnote-ref-16)
17. . آسوشیتدپرس، "ایالات متحده مخفیانه توئیتر کوبا را ایجاد کرد تا محرک ناآرامی­ها باشد و دولت تضعیف گردد." [↑](#footnote-ref-17)
18. . برای نمونه مالفورد، "تأثیر بی­رحمانة سخن بنیامین فرانکلین"؛ پادینگتون، "آزادی سخن­پراکنی." [↑](#footnote-ref-18)
19. . astroturfing [↑](#footnote-ref-19)
20. . یادداشت­های 2-3. [↑](#footnote-ref-20)
21. . همان. [↑](#footnote-ref-21)
22. . *ببینید،* اُهانا و دیگران، "چهره­های زیبا." تولید چهره­هایی که در عکس واقعی به نظر آیند بسیار مؤثر است و به طور میانگین کشیدن هر چهره با نرم­افزار مطلب تنها 2903/1 \* 10-4 ثانیه طول می­کشد. [↑](#footnote-ref-22)
23. . برای نمونه دیپ­مایند، "موج شبکه­ای." [↑](#footnote-ref-23)
24. . برای نمونه ببینید، وین­یالز و لی، "یک مدل گفت­وگوی عصبی." آنها اغلب به حوزه­های خاصی محدود می­شوند (رزرو کردن بلیت یک خط هوایی) [↑](#footnote-ref-24)
25. . صابر حمانیان و دیگران، "چالش روبات دارپا در توئیتر." پس از یک رقابت وسیع برای شناسایی روبات­های مجازی، نتیجه می­گیرد که این روند به سوی پیچیدگی این سامانه­ها در آیندة نزدیک منتهی می­شود. [↑](#footnote-ref-25)
26. . فیس­بوک، اطلاعات شرکت / اتاق خبر فیس­بوک؛ استات، "کاربران واتس­آپ به یک میلیارد نفر رسیده­اند"؛ توئیتر، "اطلاعات مربوط به این شرکت." [↑](#footnote-ref-26)
27. . فیس­بوک، "مخاطب خود را انتخاب کنید." [↑](#footnote-ref-27)
28. . برای نمونهویکی­پدیا، دغدغة بازی­های ویدئویی. [↑](#footnote-ref-28)
29. . سوپرا،یادداشت 5. [↑](#footnote-ref-29)
30. . برای نمونه ببینید:چنج و دیگران، "آیا امواج را می­توان پیش­بینی کرد؟"؛ کومار، روبرت، و لِسکووک، جور، "اطلاعات نادرست در شبکه: تأثیرات، ویژگی­ حقه­های ویکی­پدیایی و شناسایی آنها". [↑](#footnote-ref-30)
31. . پِنت­لند، فیزیک اجتماعی*.*  [↑](#footnote-ref-31)
32. . Defense Advanced Research Projects Agency (DARPA) Grand Challenge [↑](#footnote-ref-32)
33. . تَنگ و دیگران، "منعکس کردن چالش بالون قرمز دارپا." [↑](#footnote-ref-33)
34. . باند و دیگران، "یک تجربة 61 میلیون نفری در اثرگذاری اجتماعی و بسیج سیاسی." [↑](#footnote-ref-34)
35. . برای نمونه ببینید، واگنر و دیگران، وقتی روبات­های مجازیِ اجتماعی حمله می­کنند. [↑](#footnote-ref-35)
36. . فریدمن، "برگ­های افتان"، پِفر، "گلوله­های کاغذی: مصاحبه­ای با هربرت ای. فریدمن". [↑](#footnote-ref-36)
37. . بیلتون، "روبات­های مجازی در رسانه­های اجتماعی دوستان جعلی می­سازند و سود واقعی می­برند." [↑](#footnote-ref-37)
38. . برای نمونه ببینید، اوین و دی فلوئر، "توزیع مکانی یک اعلامیه از طریق هواپیما." [↑](#footnote-ref-38)
39. . برای نمونه ببینید:مور و رابرتز، "هک کردن حساب­های توئیتری باعث دلهره در وال‌استریت و سقوط داو جونز می­شود". [↑](#footnote-ref-39)
40. . لانگه- ایوناتامیش­ویلی اسوتوکا، "ارتباطات راهبردی و رسانه­های اجتماعی در درگیری روسیه- اوکراین." [↑](#footnote-ref-40)
41. . همان. [↑](#footnote-ref-41)
42. . پوپ، "ژنرال ناتو عملیات روانیِ روسیه را روشن می­کند". [↑](#footnote-ref-42)
43. . هولیس، "چرا دولت­ها نیازمند حقوق بین­الملل برای عملیات اطلاعاتی هستند". [↑](#footnote-ref-43)
44. . شاو، حقوق بین­الملل، 178. [↑](#footnote-ref-44)
45. . "مستقل – تعریف کلمة "مستقل" در زبان انگلیسی؛ فرهنگ آکسفورد". [↑](#footnote-ref-45)
46. . "کنوانسیون مونته­ویدئو در مورد حقوق و وظایف دولت­ها". بخش اول. [↑](#footnote-ref-46)
47. . اِسمای­چک، "نظم بخشیدن به آوردگاه آینده: محدودیت­های قانونی انجام عملیات روانی در حقوق بین­الملل". [↑](#footnote-ref-47)
48. . *نیز ببینید:* لانگو، "وبگاه جنگ: اینترنت و عملیات روانی"؛ وزارت دفاع امریکا، "ارزیابی مسائل حقوق بین­الملل در عملیات اطلاعاتی"؛ هولیس، "ابزارهای جدید، مقررات جدید: حقوق بین­الملل و عملیات اطلاعاتی". [↑](#footnote-ref-48)
49. .. اِسمای­چک، "نظم بخشیدن به آوردگاه آینده"؛ هولیس، "ابزارهای جدید"؛ وزارت دفاع؛ جانسون، "آیا زمان تهیة یک معاهده در باب جنگ اطلاعات رسیده است؟" [↑](#footnote-ref-49)
50. . هولیس، "چرا دولت­ها به قانون بین­المللی برای عملیات اطلاعاتی نیازمندند". [↑](#footnote-ref-50)
51. . لانگو، "وبگاه جنگ،" 13 [↑](#footnote-ref-51)
52. . وزارت دفاع، 8. [↑](#footnote-ref-52)
53. . برای یک بحث کلی ببینید:معاهدة ژنو، منشور سازمان ملل و مصوبة دیوان عدالت بین­الملل. [↑](#footnote-ref-53)
54. . منشور سازمان ملل و مصوبة دیوان عدالت بین­الملل،فصل 7. "چنانچه حملة مسلحانه­ای علیه یکی از اعضای سازمان ملل رخ دهد، هیچ چیز در منشور کنونی نمی­تواند حق ذاتی دفاع از خود را به صورت فردی یا جمعی تضعیف کند". [↑](#footnote-ref-54)
55. . کمیسیون حقوق بین­الملل، "مسئلة تعریف تجاوز". [↑](#footnote-ref-55)
56. . مجمع عمومی سازمان ملل، "قطع­نامة 3314/29". [↑](#footnote-ref-56)
57. . همان. [↑](#footnote-ref-57)
58. . نورث­هام، "اوباما با اخراج 35 دیپلمات مجازات­های تلافی­جویانه­ای را علیه روسیه به­خاطر هک کردن، اِعمال نمود". [↑](#footnote-ref-58)
59. . مادة 19 – که به آزادی بیان مربوط می­شود – می­تواند برای عملیات روانیِ دولت­ها علیه شهروندانشان اِعمال گردد، هر چند جای این تحلیل در این مقاله نیست. ببینید «میثاق بین­المللی حقوق مدنی و سیاسی»*.* [↑](#footnote-ref-59)
60. . همان. [↑](#footnote-ref-60)
61. . ادارة کمیساریایِ عالی حقوق بشر، "منع تبلیغ برای جنگ و برانگیختن نفرت ملی، نژادی یا مذهبی" (مادة 20): 29/7/1983. اظهار نظر کلی میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی شمارة 11. [↑](#footnote-ref-61)
62. . همان. [↑](#footnote-ref-62)
63. . کِرنی، ممنوعیت تبلیغ برای جنگ در حقوق بین­الملل، 19. [↑](#footnote-ref-63)
64. . کمیسیون حقوق بشر سازمان ملل، "گزارش کمیسیون حقوق بشر". [↑](#footnote-ref-64)